

## قراری نیست اتفاق ویژه‌ای رخ دهد

در آستانه برگزاری اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۶ خرداد، به روال اجلاس‌های پیشین، فشار به جمهوری اسلامی از سوی آژانس و کشورهای ذی‌نفع در پرونده هسته‌ای و برجام افزایش یافته است.

گزارش جدید آژانس که روز ۹ خرداد انتشار علنی یافت، بازتاب این افزایش فشار به جمهوری اسلامی است. آنچه در این گزارش حائز اهمیت است، تأکید مجدد آژانس بر سؤال‌های بی‌پاسخ پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه جمهوری اسلامی در سایت‌های مریوان، ورامین و تورقوزآباد است.

آژانس در گزارش خود اعلام کرده است: "از زمانی که آژانس ذرات اورانیوم با منشأ انسانی در سه سایت پیدا کرده، به ایران چند فرصت داد تا درباره وجود این مواد توضیح دهد، اما ایران در رابطه با یافته‌های آژانس در آن مکان‌ها توضیحاتی که از نظر فنی معتبر باشد، ارائه نکرده است."

آژانس همچنین نگرانی خود را از افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده به ۱۸ برابر حد مجاز که در برجام تعیین شده بود، ابراز داشته است.

در گزارش آژانس آمده است "در اواسط ماه مه، تهران مجموع ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را به ۳ / ۳۸۰۹ کیلوگرم افزایش داده است که فاصله زیادی با سقف ۸ / ۲۰۲ کیلوگرم مجاز شمرده شده در برجام دارد. همچنین ذخایر اورانیوم ۲۰ درصد غنی‌شده ایران از ۱ / ۱۸۲ کیلوگرم به ۴ / ۲۳۸ کیلوگرم رسیده است " که افزایشی ۳ / ۵۶ کیلوگرمی را در مقایسه با گزارش قبلی نشان می‌دهد.

آژانس تخمین زده است که "ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ایران از ۲ / ۳۳ کیلوگرم به مقدار قابل‌توجه ۱ / ۴۳ کیلوگرم افزایش یافته است."

در صفحه ۲

نابود باد جمهوری اسلامی  
پیروز باد مبارزات قهرمانانه  
مردم خوزستان

در صفحه ۶

## جمهوری اسلامی و فاجعه متروپل

کارگران و زحمتکشان ایران به درستی بر این باورند که فاجعه متروپل ریشه در فساد دارد که سرتاپای نظام حاکم را فرا گرفته است. ساختمانی که به‌گفته‌ی صادق خلیلیان استاندار منصوب کابینه رئیسی ابتدا قرار بود در ۶ طبقه ساخته شود، تنها برای سود بیشتر ۱۲ طبقه شد. برای مالکان و مقامات دولتی اما جان مردم هیچ اهمیتی نداشت، مهم این بود که از ساخت این برج چه درآمد هنگفتی به هر کدامشان می‌رسد. این البته منحصر به ساختمان متروپل نیست. در جای جای کشور و نه فقط در ساختمان‌سازی که در تمامی عرصه‌هایی که پای پول و قدرت در میان است، با این فساد سازمان یافته روبرو

در صفحه ۳

روز یکشنبه هشتم خرداد ۱۴۰۱، حدود ۱۰۰ تن از سینماگران داخل کشور با صدور بیانیه‌ای از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی خواستند که سلاح‌های شان را زمین بگذارند و به سرکوب مردم معترض ایران پایان دهند.

این بیانیه در ارتباط با ریزش برج متروپل در آبادان صادر شد. ساختمان ده طبقه‌ای که روز دوشنبه دوم خرداد به یکباره فرو ریخت و تعدادی از کارگران در حال کار و ده‌ها نفر از مردم آبادان را به کام مرگ گرفت. طبق آمارهای رسمی تا کنون اجساد دست کم ۴۳ نفر از زیر آوار بیرون کشیده شده‌اند و دست کم ۳۸ نفر دیگر نیز هنوز مفقودند.

در صفحه ۵

## تاکتیک مناسب مبارزه معلمان برای مقابله با ترفندهای حکومتی



یورش گسترده علیه معلمان و تشکل‌های مستقل آنان در اردیبهشت سال جاری با اتهامات واهی و سناریوسازی علیه فعالان این تشکل‌ها، بازداشت و اعمال شکنجه برای اعتراف‌گیری‌های اجباری به اوج خود رسیده است. روند رو به رشد تشکل‌یابی در صفوف معلمان، گسترش جنبش اعتراضی معلمان، سازمان‌دهی ده‌ها تجمع و اعتصاب سراسری توسط شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران طی دو سال اخیر، خار درشتی در چشم حاکمان و خطر بزرگی برای دولت حاکم بوده است. ارتجاع اسلامی هراسان و بیناناک از مبارزه متشکل

در صفحه ۱۰

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
به اعتراضات مقابل سازمان جهانی کار در حمایت از کارگران و  
معلمان ایران بپیوندیم

در صفحه ۴

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
در همبستگی با آبادان و خیزش سراسری

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## قراری نیست اتفاق ویژه‌ای رخ دهد

### کمک های مالی

#### سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

#### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (ژوئن)

#### آلمان

فرخنده باد ۷۲مین	
جشن پیروزی بر فاشیسم	۱۰۰ یورو

#### ایران

یک میلیون تومان	آبان ادامه دارد
-----------------	-----------------

چند روز پیش از گزارش آژانس، دولت اسرائیل که تمایل شدیدی به محکومیت جمهوری اسلامی توسط آژانس و شکست کامل برجام دارد، بخشی از اسناد سری مخفی‌کاری جمهوری اسلامی را که چند سال قبل در یک عملیات جاسوسی از ایران به اسرائیل منتقل کرده بود، انتشار داد و روز چهارشنبه ۱۱ خرداد در یک رزمایش هوایی، تهدید نظامی را نیز چاشنی آن کرد. در بیانیه‌ای که ارتش اسرائیل روز چهارشنبه منتشر کرد، گفته شده است، این رزمایش شامل "پرواز در مسیر طولانی، سوخت‌گیری هوایی، و حمله به اهدافی در دوردست" بود. در همین روز پیش‌نویس قطعنامه آمریکا و سه قدرت اروپایی عضو برجام شامل فرانسه، بریتانیا و آلمان انتشار یافت که قرار است رسماً برای تصویب به شورای حکام آژانس ارائه شود. بر طبق این قطعنامه "شورای حکام از ایران می‌خواهد تا فوراً به اجرای تعهدات قانونی خود عمل کند و بی‌درنگ پیشنهاد مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای همکاری در شفاف‌سازی و حل‌وفصل تمامی مسائل و پرسش‌های پادمانی را بپذیرد."

همزمان، وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس نیز روز چهارشنبه در بیانیه‌ای از جمله خواستار حضور کشورهای عضو این شورا در مذاکرات پرونده هسته‌ای ایران و تمامی نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با این موضوع شدند. آن‌ها در این بیانیه اعلام کردند: "هرگونه مذاکرات آینده با ایران باید شامل اقدامات بی‌ثبات‌کننده این کشور، حمایت از تروریسم و گروه‌های فرقه‌ای، برنامه موشکی، تضمین امنیت دریانوردی بین‌المللی و تأسیسات نفتی باشد."

درحالی‌که تقریباً یک سال از تلاش طرفین درگیر در احیای برجام می‌گذارد، هرگاه که برگزاری جلسات حکام آژانس نزدیک می‌شود، قدرت‌های جهانی، به‌ظاهر فشارهای خود را بر جمهوری اسلامی افزایش می‌دهند و به‌ویژه تهدید به صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی می‌کنند. در واقعیت اما نه جمهوری اسلامی این تهدیدات هراسی به خود راه داده است، چراکه می‌داند این تهدیدات جدی نیست و نه قدرت‌های مقابل جمهوری اسلامی قصدی برای تهدیداتی جدی دارند.

بنابراین اوضاع باز هم به روال گذشته ادامه خواهد یافت. کنه قضیه در این است که دولت‌های اروپایی از اساس با هرگونه فشار جدی به جمهوری اسلامی که بخواهد آن را تضعیف کند، مخالفاند، چراکه بقای آن را در منطقه خاورمیانه جزئی از استراتژی منطقه‌ای خود می‌دانند. بنابراین در هرکجا نیز که پای تضاد منافع جهانی آن‌ها با منافع منطقه‌ای در میان باشد، تا آن حد خواستار فشار به جمهوری اسلامی هستند که استراتژی منطقه‌ای آن‌ها را که ادامه موجودیت جمهوری اسلامی ایران جزئی از آن است، تحت‌الشعاع قرار ندهد. دولت بایدن هم از وقتی‌که در آمریکا به قدرت رسید، همین

سیاست را دنبال کرده است. از همین روست که به‌رغم مخالفت شدید جمهوری‌خواهان بر سر احیای برجام و دادن امتیازات به جمهوری اسلامی، تاکنون بدون این‌که توافق رسمی بر سر احیای برجام صورت گرفته باشد، امتیازات نانوشتی متعددی به جمهوری اسلامی داده است، تا جایی که حتی فروش نفت، گاز و محصولات پتروشیمی و بازگرداندن ارزهای ناشی از فروش آن‌ها را در محدوده‌ای نادیده گرفته است. اکنون اما در نتیجه تشدید بحران جهانی و منازعه قدرت‌های امپریالیست، قدرت مانور طرف‌های مقابل جمهوری اسلامی بر سر این مسئله کمتر هم شده است.

در پی تشدید تضاد میان قدرت‌های امپریالیست اروپایی و آمریکا با قدرت‌های امپریالیست روسیه و چین، جنگ اوکراین و پیامدهای آن، از جمله تحریم‌های نفتی روسیه و نیاز شدید کشورهای اروپایی به نفت و گاز از منابع دیگر، بحران رکود- تورمی و فشاری که به‌ویژه تورم بر سطح زندگی مردم این کشورها وارد آورده است، نه تشدید تضادها در منطقه خاورمیانه بلکه تلاش برای تخفیف تضادهای این منطقه از جمله کاهش تضاد و کشمکش با جمهوری اسلامی بر سر برنامه هسته‌ای و احیای برجام بیش از گذشته در دستور کار آن‌ها قرار دارد. بنابراین بی‌دلیل نیست که دقیقاً در شرایطی که در آستانه تشکیل اجلاس شورای حکام آژانس، ظاهراً تهدید و فشار علیه جمهوری اسلامی افزایش یافته و بایدن هم در آمریکا زیر فشار رقبای داخلی و در منطقه زیر فشار متحدان منطقه‌ای آمریکا به‌ویژه اسرائیل قرار دارد، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات‌متحده در کنفرانس خبری روز سه‌شنبه دهم خرداد اعلام کرد که "خواسته‌های فرابرجامی ایران، مذاکرات را به دست‌انداز انداخته و در صورت تغییر تصمیم در تهران، واشنگتن و متحدین اروپایی آماده‌اند که فوراً مذاکرات را به پایان ببرند." وی افزود: "هنوز هدف ما این است که ایران دوباره محدود به تعهداتش طبق برجام شود و به این دلیل مذاکره را دنبال می‌کنیم تا ببینیم نتیجه می‌دهد یا خیر."

با این اوصاف پوشیده نیست که آن‌ها هیچ راهی جز مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی ندارند. اما تا جایی که قدرت‌های جهانی نفع مشترکی در جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای در خاورمیانه دارند، این احتمال منقذی نیست که شورای حکام همین قطعنامه به‌ظاهر آمرانه، اما در محتوا بی‌خاصیت اروپایی - آمریکایی را هم تصویب کند و بگوید جمهوری اسلامی "فوراً به اجرای تعهدات قانونی خود عمل کند و پیشنهاد مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر تعامل بیشتر باهدف شفاف‌سازی و حل‌وفصل کلیه مسائل پادمانی باقی‌مانده را بی‌درنگ بپذیرد."

بی‌هیچ تردیدی جمهوری اسلامی هم به روال گذشته به آن عمل نخواهد کرد و شاید هم برعکس همان‌گونه که وزیر خارجه جمهوری

اسلامی اعلام کرده است، به اقدام متقابل متوسل شود.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۳ خرداد در تماس تلفنی با جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن حرف‌های تکراری پیشین خود در مورد "عزم و اراده دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به توافقی خوب، قوی و پایدار" در واکنش به تصویب احتمالی قطعنامه پیشنهادی به شورای حکام، تهدید کرد: "هرگونه اقدام سیاسی از سوی آمریکا و سه کشور اروپایی در آژانس، بی‌تردید با واکنش متناسب، مؤثر و فوری جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد."

بنابراین پیشاپیش آشکار است که قطعنامه هم کاری از پیش نخواهد برد و اتفاق خاصی رخ نخواهد داد، چراکه صرفاً توصیه می‌کند و فاقد پشتوانه اجرایی است. آنچه باقی می‌ماند مذاکرات و چانه‌زنی‌های پشت پرده خواهد بود که خواست هر دو طرف نزاع است.



## جمهوری اسلامی و فاجعه متروپل



ساختمان از زیر آوار بیرون آورده شده است و این در حالیست که براساس اخبار منتشره تعداد کارگران بسیار بیشتر است.

در گزارشی که برخی از رسانه‌های جمهوری اسلامی آن را منتشر کرده‌اند، یک شاهد عینی که در هنگام ریزش متروپل در مغازه خرما فروشی بوده مشاهدات خود را این‌گونه بیان می‌کند: "به یکباره دیدیم که یک خانم و یک کارگر متروپل با لباس‌های کاملاً خاک‌آلود به این سمت و به شکل هراسان می‌دوند. این کارگر با ترس وارد مغازه شده و فقط فریاد می‌زد که؛ آبادان بی‌صاحب، آبادان بی‌صاحب. وقتی که کمی آب به او دادیم و نفسش بالا آمد از حادثه سوال کردیم و تنها جوابش این بود که بالای ۲۰۰ نفر به زیر خاک رفتند. با نفس نیچیند، فقط فریاد می‌زد که همه مردند! این کارگر که برای خرید به سوپر مارکت مجاور متروپل آمده بود، یکباره با این فاجعه مواجه شده و تنها توانسته بود، خود را به زحمت از معرض آسیب ناشی از فروریختن آوار در خیابان دور کند." در این گزارش و به نقل از فردی که غذا برای کارگران برده بود، آمده است که نیم ساعت قبل از حادثه، وی ۱۵۰ غذا تحویل کارگران داده است و کارگران به دلیل گرما برای خوردن ناهار به طبقه ۲ منفی رفته بودند. به‌گفته‌ی یک "سرکارگر" که برای نهار همیشه به منزل خود در نزدیکی متروپل می‌رفته ۱۵۰ کارگر آن‌جا مشغول کار بوده‌اند. همچنین برخی اخبار حکایت از آن دارند که در ساختمان متروپل کارگران دو شیفته کار می‌کردند و در هر شیفته هم ۱۰۸ کارگر مشغول به کار بودند.

همچنین با ادامه آواربرداری جسد کارگران بیشتری پیدا می‌شود. در روز یکشنبه نیز خبر از پیدا شدن جسد ۳ کارگر دیگر منتشر شد که آمار رسمی جان باختگان را به ۴۳ نفر در این روز رساند.

تنها ۹۰ کارگر از مجموع این کارگران از اهالی جزیره مینو بودند و به‌غیر از آن‌ها کارگران افغان، کرد و بختیاری نیز در آن ساختمان کار می‌کردند. کارگران شاغل در این ساختمان نه تنها بیمه نبودند، بلکه عموماً فاقد یک قرارداد مکتوب و رسمی هستند، و با جان باختن آن‌ها که برخی تنها نان‌آور خانواده‌هایشان بودند، معضل تامین معاش خانواده‌هایشان چندین برابر شده است.

بنابراین، تنها آمار کارگرانی که در ساختمان مشغول کار بودند، بیان‌گر این است که فاجعه بسیار بزرگتر از آن چیزیست که رژیم جمهوری اسلامی به آن اعتراف می‌کند و هدف از ارسال نیروهای یگان ویژه و محاصره منطقه یکی از دلایلی است که همین است که تعداد واقعی جانباختگان و ابعاد فاجعه‌ای که پای مقامات حکومتی در میان است، آشکار نگردد. یکی از اهداف رژیم از دستگیری چند روزنامه‌نگار در

حضور یافت یگان ویژه بود."

برخلاف ادعای مقامات دولتی، آنچه که مردم آبادان شاهد آن بودند، حضور یگان ویژه برای مقابله با اعتراض مردم آبادان به نقش حکومت در بروز این فاجعه و نیز پنهان نگاه داشتن ابعاد فاجعه با محاصره منطقه بود.

ابتدا به ابعاد این فاجعه بپردازیم. روز چهارشنبه قدرت‌الله مجیدی "فرمانده آواربرداری میدانی متروپل" مدعی شد "با ورود ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز" ۹۰ درصد عملیات آواربرداری به پایان رسیده و اگر در انجام عملیات مشکل خاصی به وجود نیاید، در دو یا سه روز آینده جستجوی مفقودان این حادثه به اتمام می‌رسد." در همین روز احسان عباسپور "فرماندار ویژه آبادان" گفت: "تعداد کشته‌شدگان حادثه متروپل به ۳۷ نفر رسید و تلاش برای یافتن پیکرهای احتمالی زیر آوار توسط گروه‌های امدادی ادامه دارد." در ابتدا مقامات جمهوری اسلامی از مفقود شدن ۸۰ نفر خبر داده بودند و در حالی که در همه‌جای دنیا معمولاً بعد از گذشت چند روز آمار مفقودان به دلیل اعلام خانواده‌ها بیشتر می‌شود، اما در جمهوری اسلامی این موضوع برعکس است و آمار مفقودین از ۸۰ نفر به یکباره کاهش یافت و به چند نفر محدود شد. در مورد کشته‌شدگان نیز با این‌که براساس حتماً آمارهای رسمی تا روز شنبه ۴۰ جنازه از زیر آوار بیرون آورده شده، اما فرماندار ویژه آبادان روز شنبه همچنان از کشته شدن ۳۷ نفر خبر داد!! این در حالیست که از روز جمعه و با سفر ابراهیم رئیسی به آبادان و سپس مراسم سال مرگ خمینی در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد، عملاً دیگر خبر چندانی از آواربرداری از سوی خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی منتشر نشد. در واقع جمهوری اسلامی می‌خواست قبل از برگزاری مراسم مرگ خمینی به این موضوع خاتمه دهد.

اما واقعیت ماجرا چیست و چرا مردم آبادان تا این حد خشمگین شدند؟

نکته اول این است که اجساد و مجروحان حادثه تا اینجای کار عمدتاً کسانی بودند که در اطراف متروپل حضور داشتند و یا حداکثر در طبقه همکف بودند. مانند خانواده صالحیان که دو دختر ۱۶ و ۱۱ ساله آن‌ها در زیرسایبان بستنی فروشی این ساختمان همراه با زن عموی‌شان منتظر بازگشت مادرشان از داروخانه روبرو بودند که متأسفانه با فروریختن ساختمان هر سه جان خود را از دست دادند. یا مریم و رامین، زن و شوهر جوانی که صاحب "کافه مری" بودند و یا خانواده جلیلیان. پدر خانواده به تازگی یک ایمیوه و بستنی‌فروشی را در آن جا اداره کرده بود. در جریان فروریختن متروپل پدر همراه با دو پسرش و نیز برادرزاده‌اش همراه با دو دختر خردسال او در زیر آوار مانده و جان باختند. اما جدا از این‌ها، تعداد زیادی کارگر نیز در آن ساختمان مشغول کار بودند که از سرنوشت بسیاری از آن‌ها خبری نیست، به‌ویژه آن‌ها که در طبقه منفی دو برای وعده غذایی ناهار جمع شده بودند. به‌نوشته‌ی رسانه‌های جمهوری اسلامی تا روز یکشنبه اجساد ۱۷ کارگر این

هستیم.

در روزهای گذشته زهرا نژادبهرام از اعضای سابق شورای شهر تهران اعتراف کرد که در تهران ۳ هزار و ۵۰۰ ساختمان نالیمن وجود دارد که وضعیت ۱۲۹ تای آن‌ها "ترسناکتر" است. او گفت: "هرچقدر تلاش کردیم تا نهادهای امنیتی و قضایی را قانع کنیم که اسامی این ساختمان‌ها منتشر شود تا در جهت ایمن‌سازی آن‌ها تصمیمی گرفته شود، قبول نکردند. یکی از دلایل مخالفت این نهادها این بود که این فهرست به تشویش در اذهان عمومی منجر می‌شود و از سوی دیگر، باید منابع مالی فراوانی برای ایمن‌سازی و حل این مشکلات صرف کرد!!"

به‌گفته‌ی وی یکی از این ساختمان‌ها کلینیک "سینا اطهر" بود که انفجار در آن (۱۰ تیر ۱۳۹۹) منجر به کشته شدن حداقل ۱۹ نفر شد. از این مسئله فعلاً بگذریم که افرادی مانند نژادبهرام، چرا اکنون این حرف‌ها را بر زبان می‌آورند؟! افرادی که خود را "منتخب" مردم می‌نامیدند اما تصمیماتشان نه در جهت منافع مردم که براساس دستورات مقامات قضایی و امنیتی و از همه مهم‌تر "مصلحت نظام" بود. اما بد نیست یادآور شویم که در سال ۹۹ ابراهیم رئیسی در راس دستگاه قضایی قرار داشت، یعنی همان دستگاهی که به‌گفته‌ی نژادبهرام مانع از انتشار اسامی آن ساختمان‌ها شده بود. تنها نگاهی به وضعیت ایران کنونی، شرایط وخیم و اسفبار زندگی کارگران و زحمتکشان جامعه از سوی و ثروت هنگفت و زندگی اشرافی سرمایه‌داران و مقامات حکومتی از سوی دیگر، ماهیت و غایت ارتجاعی و جانپیکارانه جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک دولت پاسدار نظم سرمایه‌داری ستمگر و بی‌رحم حاکم بر ایران، به همگان نشان می‌دهد.

در ماجرای فروریختن ساختمان متروپل، سیاست جمهوری اسلامی بر دو پایه قرار گرفت. یک، پنهان کردن ابعاد فاجعه و دوم جلوگیری از اعتراض مردم. در همه جای دنیا وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، نیروهای امدادی بسیج می‌شوند و از تمامی امکانات فنی، مهندسی و لجستیکی بهره‌برداری می‌شود تا هر چه سریعتر آواربرداری انجام گردد. اما اولین کار جمهوری اسلامی ارسال نیروهای یگان ویژه آن هم از استان‌های دیگر بود!! از سوی دیگر آتش‌نشانی شهر بزرگ آبادان فاقد ابتدایی‌ترین امکانات برای آواربرداری بود و مردم با دست و کلنگ و بیل برای نجات دادن عزیزان خود اقدام به آواربرداری کردند.

"سرتیپ" موسوی که عنوان "فرمانده میدانی عملیات تامین امنیت محدوده ریزش برج متروپل" را در این ماجرا یکم می‌کشد، در گفتگو با خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران اعتراف کرد که نیروهای یگان ویژه از تهران، کرمانشاه و فارس به آبادان اعزام شده‌اند. این خبرگزاری در رابطه با علت حضور نیروهای یگان ویژه نوشت: "یکی از نیروهایی که صرفاً برای ایجاد آسایش و امنیت مردم انقلابی آبادان و کمک به آسیب‌دیدگان حادثه



اطلاعیه شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست

## به اعتراضات مقابل سازمان جهانی کار در حمایت از کارگران و معلمان ایران بپیوندیم

روز جمعه ۱۰ ژوئن کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو برگزار می شود. سه اتحادیه کارگری فرانسه با حمایت دو اتحادیه کارگری سوئیس در این روز در حمایت از کارگران و معلمان زندانی و برای آزادی آنان در ایران و در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه کارگران و معلمان و دستگیری و زندانی کردن دو عضو سندیکای معلمان فرانسوی اکسیون اعتراضی بر گزار میکنند.

ایران یکی از نزدیک به دویست دولتی است که از همان سال های اول تاسیس آن به عضویت سازمان جهانی کار در آمده است. به این ترتیب باید به مفاد و مقوله نامه های این سازمان پایبند باشد.

در حالی که جنبش کارگری در ایران بیشتر از هفتاد سال است که برای حق تشکل یابی و حق اعتصاب و سایر حقوق ابتدایی خود مبارزه میکند و هر بار چه در رژیم سلطنتی شاه و چه رژیم جمهوری اسلامی به شدیدترین وجه سرکوب شده است. در واقع همین مقوله نامه های شماره ۸۷ و ۹۸ مصوب سازمان جهانی کار نیز، هیچگاه در ایران به عمل در نیامده است.

کارگران ایران هیچ وقت نماینده واقعی خود را در این سازمان نداشته اند و بجای نمایندگان واقعی کارگران، سرسپرده گان رژیم در تشکلهای ضد کارگری و دست ساز اسلامی را به کنفرانسهای سالانه این سازمان ارسال کرده اند.

عضویت دولتی مثل رژیم جمهوری اسلامی در این سازمان نشان میدهد که این سازمان چقدر از اهداف حداقلی خود نیز بدور است. رژیم ایران فقط در همین چند سال اخیر صدها فعال کارگری و فعالین صنفی معلمان در ایران را، از جمله به خاطر نقض صریح مقوله نامه های سازمان جهانی کار دستگیر کرده، پرونده سازی دروغین به راه انداخته و به زندانهای طویل مدت محکوم کرده است، آنهم فقط به دلیل اعتراض و زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق کارگران. جمهوری اسلامی تازه به اینها بسنده نکرده و دو فعال سندیکایی معلمان فرانسوی را به اتهامات واهی و شناخته شده به گروگان گرفته است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، خود را در صف این اکسیون و اعتراض میداند و از آن حمایت میکند. ما از تمام سازمانهای و اتحادیه های کارگری در ایران و جهان میخواهیم که به این اعتراض بپیوندند.

ما خواهان اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار هستیم.

ما خواهان آزادی فوری تمام فعالین کارگری و معلمان از زندانهای جمهوری اسلامی ایران هستیم.

ما خواهان آزادی فوری دو عضو سندیکای معلمان فرانسوی هستیم که در ایران دستگیر و در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر می برند.

زنده باد همبستگی کارگری جهانی

5.6.2022

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران،

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،

سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## جمهوری اسلامی و فاجعه متروپل

آبادان در روزهای اخیر، نیز ممانعت از انتشار اخبار واقعی این فاجعه می تواند باشد.

اما دومین هدف جمهوری اسلامی از ارسال نیروهای یگان ویژه همان طور که در بالا آمد، مقابله با اعتراضات مردم آبادان بود. ویدئوهای منتشره از آبادان و حتا برخی از شهرهای دیگر از یک جهت قابل توجه بودند و آن شجاعت مردم آبادان بویژه زنان در برابر نیروهای یگان ویژه بود. اگرچه بعد از هشت روز اعتراضات کاهش یافت؛ اما دلیل اصلی کاهش اعتراضات، سرکوب و حضور نیروهای یگان ویژه نیست.

مساله این است که اعتراضات خیابانی در شرایط کنونی فاقد سازماندهی و رهبری هستند، و بنابراین نمی توانند همین گونه خودجوش طولانی مدت ادامه یابند. اما همین اعتراضات خیابانی یک پیامد خطرناک برای رژیم دارد و آن ایجاد شکاف و افزایش تردید، دولتی و خستگی در بین نیروهای نظامی و انتظامی رژیم است.

جدا از سربازان که عموماً از خانواده های زحمتکش هستند، کادرهای نظامی نیز عموماً در درون یک خانواده زندگی می کنند که از افراد مختلف با موقعیت های شغلی و تفکرات سیاسی متفاوت تشکیل می شود. همسر، فرزند، پدر، مادر، برادر، خواهر و همین طور دیگر اقوام. آن ها در محل زندگی خود نیز شناخته شده هستند. حضورشان در سرکوب اعتراضات مردم، باعث انزوای آن ها و خانواده های شان می شود و یا حتا خانواده را متلاشی می کند و یا اعضای خانواده و فامیل را رودرروی آن ها قرار می دهد. البته این شامل همه نمی شود، ولی خیلی از نیروهای نظامی و انتظامی چنین شرایطی دارند. افزایش اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر گروه های اجتماعی و یا اعتراضات خیابانی همچون اعتراض به گرانی و با فاجعه متروپل باعث می شود این نیروها هر چه بیشتر به رویارویی با مردم گشاده شوند، و در نتیجه شکاف و تردید در بین نیروهای سرکوب نیز به موازات آن افزایش یابد. این مساله یک معضل بزرگ برای رژیم است که طلیعه های آن را می توان از هم اکنون مشاهده کرد. این یکی از ویژگی های شرایط انقلابی است که هر قدر صدای انقلاب پُرطنین تر شود و گام هایی به جلو بردارد، هم در محافظه کارترین بخش های جامعه و هم در میان صفوف نیروهای سرکوب، شکاف و دودلی بیشتر می شود.

بنابراین می توان این گونه نتیجه گرفت که اعتراضات روزافزون کارگران و اقشار گوناگون جامعه در اشکال متنوع و نیز شجاعت مردم و ریختن ترس آن ها تا حدود زیادی که بویژه در اعتراضات اخیر آبادان کاملاً قابل مشاهده است، یکی از نتایج آن از سویی باز هم بلندتر شدن صدای اعتراض و خشم و نفرت مردم نسبت به حکومت و از سوی دیگر شکاف بیشتر در میان نیروهای نظامی و انتظامی رژیم خواهد بود. این یک واقعیت است که امروز حتا در درون حکومت نیز بسیاری به بقای آن امید ندارند.

## بیانیه حمایتی سینماگران از "فوج خروشان مردم" و چرایی آن

امضا کنندگان بیانیه "تفنگت را زمین بگذار" که اسامی بسیاری از چهره های شناخته شده و معروف سینمای ایران در پای این بیانیه درج شده است، با اشاره به اینکه "فوج خروشان مردم ستمدیده از جای جای ایران فریاد همراهی و همدلی با مردم دردمند آبادان سر داده اند"، گفته اند: "اکنون که خشم عمومی از فساد، دزدی، ناکارآمدی سرکوب و خفقان، امواج همبسته ای از اعتراضات مردمی را به دنبال داشته است، از همه افرادی که در یگان های نظامی تبدیل به عامل سرکوب شده اند می خواهیم سلاح های خود را بر زمین گذاشته و به آغوش ملت بازگردند." (تاکید از ما است)

بیانیه اعتراضی سینماگران که طی چند دهه گذشته بی سابقه بوده است، به دلیل همدردی با مردم داغدار آبادان و مهمتر از آن، به علت همگامی با فوج خروشان مبارزات توده های مردم ایران از همان ابتدا با خشم و غضب جمهوری اسلامی مواجه شد. همزمان با صدور این بیانیه، تهدید، ارباب و تماس های دستگاه های تبلیغاتی، امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی با هدف پس گرفتن امضاها علیه سینماگران امضا کننده این بیانیه شروع شد.

مجد رسول اف، نویسنده و کارگردان شناخته شده سینمای ایران در ارتباط با فشارهای وارده بر امضا کنندگان بیانیه، با انتشار متنی در اینستاگرام خبر داد که پس از انتشار بیانیه معروف به "تفنگت را زمین بگذار"، تماس های زیادی از سوی نهادهای مختلف با سینماگران امضا کننده این بیانیه گرفته شده است و از آنان خواسته اند که امضای خود را پس بگیرند یا با خبرگزاری های رسمی رژیم برای "بی اعتبار کردن" این بیانیه گفت و گو کنند. مجد رسول اف، که خود از امضا کنندگان این بیانیه است، روز سه شنبه ۱۰ خرداد با اشاره به تهدیدهای صورت گرفته و تاکید بر اینکه "عده ای می خواهند با نظامی گری صدای سینماگران علیه خشونت را ساکت کنند، نوشت: "برخی از امضا کنندگان را از دستگیری ترسانده اند یا به برخی گفته اند دیگر نمی توانید کار کنید."

متعاقب اینگونه تهدیدها و تماس های امنیتی، پس از آنکه تنی چند از سینماگران از جمله داریوش یاری و عبدالله باکیده که با اعتراض به مضمون سیاسی بیانیه امضای خود را پس گرفتند، حسین شریعتمداری مدیر مسئول و نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان نوشت: "واکنش تعدادی از سینماگران که نام شان در پای امضای یک بیانیه سیاسی علیه نهادهای دفاعی کشور آمده، نشان می دهد که این بیانیه بدون اطلاع آن ها و یا پس از جمع آوری امضاها به بهانه همدردی با داغدیدگان حادثه متروپل آبادان تنظیم یا تغییر یافته است."

درست در کشاکش هجوم تهدیدهای امنیتی دستگاه های سرکوب که از هر طرف بر سر

امضا کنندگان بیانیه آوار شده بود و جمهوری اسلامی بر این باور بود که با تهدید و ارباب می تواند دست کم عده قابل توجه ای از سینماگران را مرعوب کند تا امضای خود را پس بگیرند، ده ها سینماگر دیگر به جمع امضا کنندگان اولیه پیوستند.

سه روز پس از صدور بیانیه و به رغم تهدیدات دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی که تلاشی برای پس گرفتن امضاها بود، مجد رسول اف، روز چهارشنبه ۱۱ خرداد اعلام کرد، بیش از ۷۰ نفر دیگر از سینماگران به امضا کنندگان بیانیه "تفنگت را زمین بگذار" پیوسته اند تا ضمن ابراز همدردی با مردم آبادان، مخالفت خود را با خشونت اعلام کنند. اتفاقی که به لحاظ اهمیت سیاسی و بی اثر نشان دادن سیاست تشدید سرکوب و اختناق حاکم بر جامعه بسیار موثر بود. با به میدان آمدن ده ها سینماگر دیگر که بیانیه را امضا کردند، بلکه این واقعیت بر همگان روشن شد که دوران کارآمدی تهدید و سرکوب به سر رسیده است.

تا همین جای کار نشان داده شد که این تعداد از سینماگران امضا کننده بیانیه، دست کم تا این لحظه نه تنها تسلیم ارباب و تهدیدهای امنیتی رژیم نشده اند، بلکه مصرا نه پای اقدام خود ایستاده اند. لذا این جهت گیری جدید سینماگران ایران را باید به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد.

بدون شک صدور چنین بیانیه ای، علاوه بر اینکه گامی مثبت در همگامی با مبارزات مردم و اقدامی جمعی در واکنش به اقدامات سرکوبگرانه رژیم است، اما به طور واقعی بیانگر این حقیقت است که امضا کنندگان این بیانیه به تاسی از دوران انقلابی حاکم بر جامعه به همگامی با "فوج خروشان مردم ستمدیده ایران" روی آورده اند. دوران پر تحولی که حتی سینماگران محافظه کار را نیز به درجه ای از موضع گیری سیاسی کشانده است که در همدلی با مبارزات مردم ایران و علیه "فساد، دزدی، ناکارآمدی سرکوب و خفقان" حاکم بر جامعه موضع گیری و بیانیه سیاسی صادر کنند. همان سینماگرانی که در چند دهه گذشته به رغم کشتار و سرکوب مداوم توده های مردم ایران همواره مهر سکوت بر لب زدند و دست کم تا پیش از سرنگونی هواپیمایی اوکراینی توسط موشک های سپاه پاسداران، کمترین صدای اعتراضی از آنان بر نخواست. تنها بعد از سرنگونی هواپیمایی اوکراینی در ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ که منجر به کشته شدن ۱۷۶ نفر از سرنشینان آن شد، جمعی از سینماگران ایران با انتشار جمله "من به جشنواره فجر نمی روم" انصراف خود را برای حضور در جشنواره فیلم فجر در بهمن ماه همان سال اعلام کردند. چرا که مجموعه سینماگران ایران در وجه کلی از قشر معینی هستند که عموماً در

راستای منافع فردی و طبقاتی شان حرکت می کنند و تنها در آستانه تحولات بزرگ اجتماعی و در شرایطی که جامعه در راستای تغییرات بنیادین شتاب گرفته است، پا به عرصه میدان می گذارند.

درست همانند سینماگران زن ایران که طی دهه های گذشته شاهد آزار و اعمال خشونت جنسی علیه زنان همکار خود بودند، ولی هرگز صدای اعتراضی از آنان بر نخواست. اما در شرایط انقلابی موجود و در وضعیتی که جامعه به سمت تحولات انقلابی و تکان های اجتماعی شتاب گرفته است، همین سینماگران زن ساکت پیشین، وقتی در فروردین ماه امسال با افشاکاری یکی از همکاران خود در مورد آزار جنسی مواجه شدند، با رویکردی کاملاً متفاوت، از پوسته محافظه کارانه و دفاع از منافع فردی بیرون آمدند و با صدور بیانیه ای که امضای دست کم ۳۰۰ سینماگر زن ایران در پای آن بود، نسبت به وجود "سیستماتیک خشونت جنسی" در صنعت سینمای ایران هشدار دادند. سینماگران زنی که اکنون اسامی جمعی از شناخته ترین و مطرح ترین آنان در پای همین بیانیه همدردی با مردم آبادان و در همگامی با "فوج خروشان مردم ستمدیده ایران" دیده می شود که علیه سیاست های سرکوب و کشتار و خشونت جمهوری اسلامی بیانیه صادر کرده اند.

در واقع، صدور چنین بیانیه های سیاسی از طرف جمع وسیعی از سینماگران ایران که بی شک باید از آن استقبال کرد، نشان می دهد که سینماگران ایران پس از ده ها سال سکوت و انفعال، اکنون شرایط انقلابی حاکم بر جامعه را باور کرده و تحت تاثیر تحولات سیاسی مربوط به این دوران معین به حمایت از توده های مردم برخاسته اند.

آنچه مسلم است، از سینماگران امضا کننده بیانیه "تفنگت را به زمین بگذار" باید حمایت کرد. چرا که آنان در این بیانیه به صورت روشن با "فوج خروشان مردم ستمدیده ایران" اعلام همبستگی کرده اند. آنان اگر چه دیر آمده اند، اما چه خوب است که آمده اند. چه خوب است که آمده اند و در این لحظه های خطیر در کنار مردم ایران قرار گرفته اند و علیه سیاست سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی به اعتراض جمعی برخاسته اند. اینکه آنان بنا به منافع طبقاتی خود تا کجا در کنار توده های مردم ایران خواهند ایستاد، مسئله دیگری است که همواره باید آن را مد نظر قرار داد. در جامعه سرمایه داری ایران، هر صنف، قشر و گروه اجتماعی، مطابق منافع طبقاتی خود در مقابل جمهوری اسلامی و مسئله سرنگونی آن قرار می گیرد. تا جاییکه در شرایط وقوع حتی یک انقلاب، در مواردی ارتجاع هم صدای انقلاب را می شنود، تا سر بزنگاه روی به شکست کشاندن انقلاب و منافع کارگران و



## نابود باد جمهوری اسلامی پیروز باد مبارزات قهرمانانه مردم خوزستان

با گذشت هشت روز از فاجعه متروپل، جمهوری اسلامی به جای پاسخ‌گویی به‌خواست و اعتراض برحق مردم آبادان، شب گذشته با استقرار نیروهای سرکوب در تمامی خیابان‌های شهر، حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کرد.

مزدوران جمهوری اسلامی، در روزهای گذشته نیز با تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور به معترضان در آبادان و مردمی که در دیگر شهرهای کشور همچون اهواز، به حمایت از آبادان سیاهپوش به خیابان‌ها آمده بودند، به مقابله برخاسته بودند.

توده‌های ستمدیده ایران، به‌خوبی می‌دانند که بروز فجایی همچون متروپل، نتیجه سیستم و فساد است که تمامی حکومت از بالا تا پایین را فرا گرفته است. سیستمی که در آن نه جان انسان‌ها که پول تنها موضوع ارزشمند برای طبقه حاکم است.

بهرغم تلاش همه جانبه‌ی رژیم برای پایان دادن به تجمعات اعتراضی، در طول این هشت روز نه تنها خشم مردم آبادان فروکش نکرد، بلکه شعله‌های این خشم در سرتاسر ایران پراکنده شد و در اقصا نقاط کشور ستمدیدگان کشور به حمایت از مردم آبادان و خانواده‌های داغدار برخاستند. از خرمشهر تا اهواز، از نازی‌آباد تا شهر ری در تهران، و تا یزد و اصفهان و بوشهر مردم به خیابان‌ها ریختند.

خواست مردم ستمدیده‌ی ایران برای همه مشخص است. اما جمهوری اسلامی همان‌طور که تاکنون دیده‌ایم نه تنها به خواست‌های برحق مردم کار، نان و آزادی بی‌اعتناست، بلکه حتا از پذیرش مسئولیت فجایی که به بار آورده، خودداری می‌کند.

حاصل بیش از چهل سال حکومت اسلامی را امروز همگان می‌بینند. تنها راه برای خلاصی از تمامی این فجایع و اولین گام در این مسیر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است.

این تنها راه واقعی مردم ایران است و هر کس و جریانی که غیر از این بگوید دشمن مردم ستمدیده‌ی ایران است. دشمنانی که از انقلاب و قدرت‌گیری کارگران و زحمتکشان هراسانند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**  
**نابود باد نظام سرمایه‌داری**  
**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۱۰ خرداد ۱۴۰۱**

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

## بیانیه حمایتی سینماگران از "فوج خروشان مردم" و چرایی آن

توده‌های زحمتکش تاثیرگذار باشد. لذا، آنچه مهم است و همواره باید به آن توجه داشت، این است که کارگران و توده‌های مردم ایران در پی این اعتراضات وسیع توده‌ای و در این فوج خیزش‌های عمومی که از دی ماه ۹۶ شروع شده و تا به امروز ادامه دارد، چه می‌خواهند و برای تحقق چه اهدافی مبارزه می‌کنند. بی‌تردید کارگران و انبوه میلیونی توده‌های مردم ایران به دنبال رهایی از وضعیت فاجعه‌بار موجود هستند. وضعیتی که بیکاری را در جامعه در ابعادی وسیع، گسترش داده است، نان را از سفره توده‌های زحمتکش ربوده است، فقری روز افزون را بر اکثریت جامعه تحمیل کرده و تمامی آزادی‌های فردی و اجتماعی را از توده‌های مردم ایران سلب کرده است. بنابر این روشن است که منافع کارگران و زحمتکشان در دگرگونی بنیادی جامعه از طریق برپایی یک انقلاب اجتماعی است. انقلابی که نظم ستمگرانه موجود را ویران خواهد کرد، حاکمیت شورایی کارگران و عموم توده‌های زحمتکش را مستقر خواهد ساخت و به فوریت خواست‌های توده‌های وسیع مردم ایران را متحقق خواهد نمود. بنابراین روشن است که تحقق یک انقلاب برای کارگران و توده‌های زحمتکش ایران، با اهدافی بسیار فراتر از سرنگونی صرف جمهوری اسلامی همراه است. ناگفته پیداست، کارگران و توده‌های زحمتکش و تهیدستی که اکنون در کارخانه و خیابان به اعتراض برخاسته‌اند، معلمانی که در خیابان‌ها برای تحقق مطالبات‌شان بیکار می‌کنند، بازنشستگانی که یکشنبه‌های اعتراضی را سازمان داده‌اند، زنانی که برای برابری حقوقی و رهایی از تبعیضات جنسیتی مبارزه می‌کنند و تمام ستمدیدگان، جملگی منافع‌شان در برپایی یک انقلاب اجتماعی است. انقلابی بنیادین که با تحقق شعار کار، نان، آزادی، حکومت شورایی، فوری‌ترین مطالبات کارگران و "فوج خروشان مردم ستمدیده ایران" را بی‌درنگ عملی خواهد ساخت. انقلابی که خواست‌های آزادی‌خواهانه روشنفکران و نویسندگان و سینماگران ایران نیز در کامل‌ترین و گسترده‌ترین شکل، در آن تجلی خواهد یافت.





اطلاعیه شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست

## در همبستگی با آبادان و خیزش سراسری

برجی که در دوم خرداد ماه ۱۴۰۱ در آبادان فرو ریخت و ده ها نفر جانباخته و زخمی برجای گذاشت، نماد حکومتی برآمده از سرکوب و فساد و جنایت بود. قربانیان فاجعه مردمانی بودند و هستند که از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی جز فقر و فلاکت و دشواری های مختلف اجتماعی چیزی نسیب شان نشده و با گلوله، آتش بار، آوار و آوارگی و جنگ داخلی و نیابتی به استثمار و فلاکت نشانیده شدند.

فرو ریختن برج حکومتی متروپل در آبادان، مجرای برای فوران خشم بی پایان و نفرت عمیق مردم از بانیان وضع موجود بوجود آورد و خیزش جاری را به رویارویی مستقیم با ماشین سرکوب حکومتی کشانید. فاجعه سینما رکس در تابستان ۵۷ در آبادان، کشتارهای سال ۱۳۵۸ در خرمشهر و اهواز و مسجد سلیمان و ... و جنگ ۸ ساله و سرکوب خیزش برای آب و علیه تشنگی در تابستان ۱۴۰۰ تا کنون همه جنایاتی بوده و هستند که در حافظه تاریخی و آگاهی توده های به پا خاسته، به ویژه در خوزستان ماندگار هستند. این جنایات های زنجیره ای از طبقه حاکم و حکومتی مشروعیت گرفته و می گیرند که فساد نهادینه یکی از مشخصات آن است. طبقه حاکم ایران در ۴۳ سال گذشته، دسترنج کارگران و تمامی زحمتکشان را به غارت برده و جان و هستی و نیروی کار طبقه کارگر و تهیستان را درو کرده است. این حکومت، با ربودن نان شب و آب و هستی جامعه، چیزی جز فلاکت، حاشیه نشینی، قیرخوابی، بیماری، گسترش اعتیاد، ویرانی، مرگ، قتل عام، آوارگی، ناامنی اجتماعی، تروریسم دولتی و جنگ افروزی و فساد و ... نیافریده است.

فرو ریزی برج متروپل گوشه ای از فساد و رانت خواری نهادینه شده در جمهوری اسلامی را برملا کرد و بیانگر ماهیت مناسبات اقتصادی و سیاسی سرمایه داری حاکم بر ایران بود و بار دیگر نشان داد که برای صاحبان قدرت و ثروت جان و زندگی انسانها در برابر سود و رانت های بادآورده ارزش ندارد. از همین روی این واقعه با اعتراض توده های به جان آمده مردم آبادان مواجه شد و متعاقباً کارگران و تهیستان به پیشتازی زنان در اکثر نقاط ایران با آبادان و خوزستان، همبستگی نشان دادند. در این فاجعه، نه تنها کارگران فاسد و پاسدارانی در نقش شهردار و استاندار و امام جمعه و عبدالباقی های وابسته شریک جرم و جنایت هستند، بلکه خامنه ای و دیگر رهبران درجه ای اول مناسبات طبقاتی حاکم، مجرمینی هستند که مسئولیت فجایع تاریخی حکومت اسلامی را به عهده داشته و دارند.

پیوند خیزش سراسری اردیبهشت و همبستگی با خوزستان، حکومت را درمانده ساخته است. در این خیزش ها توده های بپاخاسته ترسی از نیروهای سرکوبگر رژیم ندارند. موج همبستگی، همدردی و همراهی شهرها با همدیگر هر روز بیشتر می شود. شعارها بیش از گذشته موجودیت رژیم را نفی کرده است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، گرفتار در گرداب بحران های اقتصادی و سیاسی، اکنون به بن بست و هراس افتاده و با خیزشی مهار ناپذیر و سراسری دست به گریبان است. خیزش دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۱ که شکوهمندانه همچنان جاری است، با شعارهای رادیکال عینیت یک مبارزه طبقاتی را در پیش روی می گذارند. این خیزش خاموشی ناپذیر و همبستگی سراسری که به سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، رویکرد دارد، با یک اعتصاب سراسری نیروی کار و با همبستگی تهیستان شهر و روستا و تنها با سازمانیابی جنبش کارگری و رهبری آگاهمندان طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی است که پیروزی دولتی کارگری شورایی را تضمین می کند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، طبقه کارگر و همه اقشار محروم جامعه را به گسترش این اعتراضات و دخالت موثر در این تحولات فرامی خواند.

**زنده باد همبستگی و اتحاد انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران**  
**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**  
**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**

دوم ژوئن ۲۰۲۲ برابر با دوازده خرداد ۱۴۰۱

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## تاکتیک مناسب مبارزه معلمان برای مقابله با ترفندهای حکومتی



هستند و کارگردان‌های اصلی آن را نیز می‌شناسند، ایفا کنند و اعترافات دروغی را بر زبان آورند.

ماجرای سناریوسازی و طرح اتهامات واهی علیه بازداشت‌شدگان، ضمن بازتاب استیصال و زبونی رژیم در قبال رشد و گسترش اعتصابات و مبارزات معلمان، در عین حال یکبار دیگر وحشت رژیم از متشکل شدن معلمان و مبارزه متشکل را نیز به نمایش گذاشت. ارتجاع حاکم آشکارا به گروهان‌گیری و انتقام‌جویی از معلمان برخاسته است. هم‌اکنون چند تن از معلمان از جمله اسکندر لطفی، عضو انجمن صنفی معلمان مریوان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، شعبان محمدی، عضو انجمن صنفی معلمان مریوان و عضو شورای هماهنگی، مسعود نیکخواه عضو انجمن صنفی معلمان مریوان و رسول بدایعی عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلام‌شهر و عضو شورای هماهنگی به‌طور شبانه‌روزی در زیر شکنجه‌های جسمی و روانی و بازجویی‌های مکرر و فرسایشی قرار دارند. رضا شهبابی و حسن سعیدی از اعضای برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، آیت‌اللهی و کیوان مهندی از حامیان طبقه کارگر نیز در زمره بازداشت‌شدگان اخیر و سناریوی ساختگی وزارت اطلاعات و زیر شکنجه‌های وحشیانه دستگاه مخوف امنیتی و سرکوب هستند. علی‌رغم تأمین وثیقه برای آزادی جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی، دستگاه اطلاعاتی مانع آزادی وی شده و دوره بازداشت را تمدید کرده‌اند و به‌رغم وعده بازپرس پرونده محمد حبیبی مبنی بر آزادی موقت با تودیع وثیقه، اما از آزادی وی نیز ممانعت به‌عمل آمده است. برخی فعالان تشکلهای صنفی که برای پیگیری و خبرگیری از همکاران بازداشت‌شده خویش اقدام کرده‌اند، خود ربوده و یا بازداشت‌شده‌اند. رسول بدایعی که بارها مورد شکنجه واقع شده و ۷ سال در زندان‌های رژیم محبوس بوده، دوباره به ۵ سال زندان، منع خروج از کشور، منع اقامت در شهرها و استان‌های هم‌جوار تهران به مدت دو سال، محکوم شده است. جان همه این عزیزان و شمار دیگری از فعالان سیاسی و اجتماعی در معرض خطر جدی است.

شکنجه‌های قرون‌وسطایی مزدوران اطلاعاتی رژیم اسلامی برای اعتراف‌گیری

دهند. بسیاری از تشکلهای مستقل معلمان و شورای هماهنگی این تشکلهای علیه این اقدامات سرکوب‌گرانه موضع‌گیری نموده و از همکاران خود به حمایت برخاسته و خواستار آزادی فوری آن‌ها شده‌اند. برخی دیگر جمععاتی را سازمان داده تا با مقامات آموزش‌وپرورش دیدار داشته باشند و حول این موضوع با آنان مذاکره داشته باشند. اما این اقدامات تاکنون هیچ نتیجه مثبتی در پی نداشته است. در کردستان، روز ۱۰ خرداد، در پی فراخوان و تجمع تشکلهای صنفی معلمان شهرهای مختلف استان به‌منظور مذاکره با مدیرکل آموزش‌وپرورش این استان (هاشم ناظمی جلالی) در مورد وضعیت همکاران خویش، مدیرکل آموزش‌وپرورش استان، حتی حاضر به دیدار با نمایندگان این تشکلهای نشد و درب ورودی را به روی معلمان بستند که کسی نتواند وارد ساختمان شود. تشکلهای صنفی معلمان، علی‌رغم اینکه پیوسته بر برخی از مواد قانون اساسی تأکید نموده و سعی کرده‌اند با مذاکره و تعامل مشکلات را رسیدگی و حل کنند، اما دولت و وزارت آموزش‌وپرورش آن، به این تلاش‌ها و اظهارنظرها وقعی ننهادند. موضوع این نیست که دولت یا آموزش‌وپرورش و نهادهای دولتی به فرض از مفاد قانون اساسی یا مزایای مذاکره و تعامل بی‌اطلاع هستند، موضوع این است که رژیم تصمیم گرفته بساط تشکلهای صنفی معلمان را برچیند و جلو فعالیت و مبارزه معلمان را

در صفحه ۹

و توجیهات سرکوب‌قطعی و قلع‌و‌قمع مبارزات معلمان و کارگران و از هم پاشاندن تشکلهای مستقلشان ممکن است به قیمت جان برخی از این فعالان تمام شود. از این‌رو بسیار ضروری است که کارزار مبارزاتی گسترده‌ای برای آزادی بی‌قیدوشرط این عزیزان سازمان داده شود. گرچه اغلب تشکلهای صنفی معلمان، تشکلهای کارگری، سازمان‌ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست ایران و همچنین بسیاری از اتحادیه‌های و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری و آموزش‌بین‌الملل (BI)، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های بخش آموزش‌وپرورش که ۳۲ میلیون عضو در ۱۷۸ کشور را نمایندگی می‌کند علیه اقدامات جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی موضع‌گیری نموده و خواهان آزادی فعالان سیاسی و اجتماعی دربند شده‌اند، اما به تجربه ثابت شده است که این حد از اعتراض گرچه لازم و ضروری و بخشاً مؤثر هم هست، اما کافی نیست.

فرباد اعتراض معلمان که اکنون از همه سو در سراسر کشور شنیده می‌شود باید با اشکال مؤثرتر مبارزه تکمیل شود. فراموش نکنیم که این افراد مبارز و شجاع و انقلابی به خاطر تلاش و مبارزه در راه تحقق خواست‌ها و آرمان‌های همکاران خود بازداشت و محبوس شده و زیر شکنجه قرار گرفته‌اند. لذا مطلقاً ضروری است که معلمان به شکل فعالانه‌تری برای آزادی این عزیزان وارد میدان شوند و کارزار مبارزاتی گسترده‌تری را سازمان



## تاکتیک مناسب مبارزه معلمان برای مقابله با ترفندهای حکومتی

بگیرد. بنابراین درخواست برای مذاکره و تأکید بر برخی بندها و مواد قانون اساسی هیچ دردی را دوا نمی‌کند. بجای اینکه نیروی خود را مصروف این سازیم که دولت و نهادهای حکومتی را به وظایف "قانونی" خود توجه دهیم و به یک معنا انرژی خود را هدر دهیم باید این نیرو را صرف سازمان‌دهی و انجام شیوه‌های مؤثرتری از مبارزه کنیم که یاری‌رسان آزادی رفقای زندانی ما باشد. برخی تشکل‌های صنفی معلمان هشدار به انجام اقدامات بعدی داده‌اند برخی دیگر اعلام کرده‌اند: "گرچه، ما برای پیگیری قضایی و قانونی همکاران زندانی، چند صبحی سکوت کردیم اما؛ بدانید این سکوت مسلماً ادامه‌دار نخواهد بود." و هشدار داده‌اند "منتظر طوفان بعد از این سکوت باشید" و...

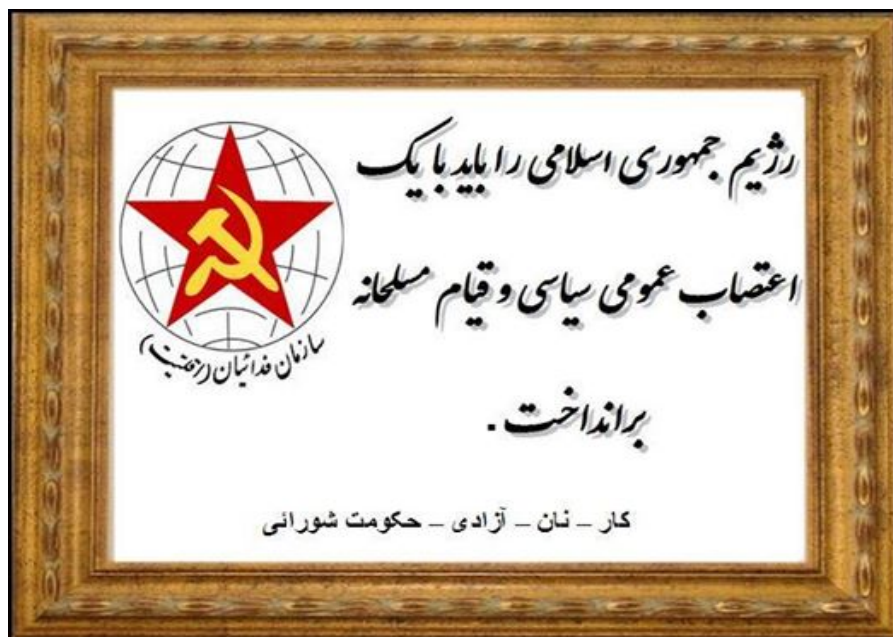
این تهدیدات و هشدارها را باید عملی کرد. رژیم ارتجاعی حاکم را بازور باید وادار نمود پنبه را از گوش‌های سنگین خود درآورد. تنها درخواست‌هایی می‌تواند از جانب دولت شنیده شود که اقدام عملی مؤثر و یکپارچه معلمان پشتیبان آن باشد. بنابراین باید تاکتیک‌های مؤثری اتخاذ کرد.

متأسفانه تا این لحظه چنین نشده است. علی‌رغم تلاش‌ها و مبارزات معلمان در حمایت از همکاران زندانی خود، اما هنوز یک تاکتیک مبارزاتی مؤثر در دستور کار معلمان و تشکل‌های مستقل آن‌ها به‌ویژه شورای هماهنگی قرار نگرفته است. یکی از این تاکتیک‌های مهم این دوره معلمان در حمایت از همکاران زندانی و در اعتراض به سناریوسازی و اعمال شکنجه برای اعتراف‌گیری‌های اجباری اعتصاب غذا بوده است. در پی اقدام معلم مبارز اسکندر لطفی که از تاریخ ۱۰ خرداد در زندان دست به اعتصاب غذا زد، گروهی از معلمان نیز در حمایت از همکار خویش و در اعتراض به بازداشت وی، در بیرون از زندان و منازل خویش دست به اعتصاب غذا زدند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در برخورد به این شکل مبارزه طی اطلاعیه مورخ ۱۲ خرداد، عملاً آن را تأیید کرد. شورای هماهنگی بجای اینکه یک کارزار مبارزاتی جدی و مؤثری را تدارک دیده و معلمان را برای حمایت از همکاران بازداشتی و برای آزادی آن‌ها به میدان مبارزه بکشاند، به اعتصاب غذا در بیرون از زندان رضایت داد. به دنبال آن گروه‌های دیگری از معلمان نیز در چند نوبت در حمایت از معلمان زندانی وارد اعتصاب غذا شده‌اند. شورای هماهنگی با آن‌همه سابقه درخشان و هوشیاری، بجای

سازمان‌دهی و هدایت یک مبارزه جدی، عملاً مشوق روشی شد که تأثیری بر آنچه بر معلمان زندانی می‌گذرد نداشته است و نخواهد داشت. اعتصاب غذا ممکن است یک روش خوب و مؤثر مبارزه در داخل زندان باشد که زندانی هیچ راه و وسیله دیگری برای ادامه مبارزه ندارد، اما اعتصاب غذا در بیرون از زندان که ابزارها و وسایل و تاکتیک‌های دیگری برای مبارزه وجود دارد، معنا و مفهومی ندارد و بیشتر یک تاکتیک و روش کاملاً دفاعی و متأسفانه پاسیفیستی است که هیچ دردی را دوا نمی‌کند.

جمهوری اسلامی را با اعتصاب غذا در خارج از زندان نمی‌توان به عقب‌نشینی وادار کرد. شورای هماهنگی کم‌وبیش فرصت داشت که با تعطیل کلاس‌ها و امتحانات و سازمان‌دهی یک اعتصاب سراسری، معلمان را در مقیاس ده‌ها شهر به میدان بکشاند و مانند دفعات پیشین، تاکتیک و روش مؤثری از مبارزه را به مرحله اجرا بگذارد. تاکتیک‌هایی که با آغاز تعطیلات تابستانی تا پایان آن قابل اجرا نیست. در هر حال این موضوع کاملاً روشن است که میان اعتصاب سراسری و اعتصاب غذا حتی در شکل فراگیر و سراسری، تفاوت‌های کیفی فاحشی وجود دارد که مهم‌ترین آن، همانا تأثیرگذاری و کارایی اولی و بی‌تأثیری و ناکارایی دومی است. نیازی به تکرار و تأکید نیست که برای خنثی‌سازی نقشه‌های شوم ارتجاع حاکم، در حمایت از معلمان و کارگران زندانی و برای آزادی فوری زندانیان دربند، به هر طریق

ممکن باید تلاش کرد. قبل از پایان این مطلب لازم است به یک نکته بسیار مهم دیگر نیز اشاره شود. نکته این است که علی‌رغم تلاش‌های مذبحانه و اقدامات گوناگون سرکوب‌گرانه علیه معلمان و کارگران و تشکل‌های صنفی آنان و از جمله سناریوسازی رسوای وزارت اطلاعات برای درهم کوفتن تشکل‌ها و فعالان جنبش کارگری و جنبش اعتراضی معلمان و سرانجام خاموش ساختن مشعل مبارزه‌ای که در چند سال اخیر پیوسته فروزان و روشنی‌بخش بوده است، ارتجاع اسلامی جز شکست و ناکامی نصیبی نخواهد برد. پیامد چنین اقداماتی فقط این نیست که خشم و انزجار توده معلمان و کارگران و دیگر زحمتکشان را فشرده‌تر و متراکمتر می‌کند، بلکه تمام دستگاه حکومت رسوای جمهوری اسلامی را نیز مفتضح‌تر خواهد کرد. البته ممکن است خساراتی بر تشکل‌ها و فعالان جنبش اعتراضی معلمان وارد شود و آسیب‌های وارده نیز به‌طور موقت در فعالیت‌های روتین آن‌ها اختلال ایجاد کند یا آن‌ها را کم‌وبیش ایضاً به‌طور موقت تضعیف کند، اما اصل ماجرا به‌جای خود و به قوت خود باقی خواهد ماند. مبارزه ادامه دارد. بخت با ارتجاع حاکم یار و همراه نیست. صرف‌نظر از ارتقای درجه آگاهی و تشکل‌یابی معلمان و کارگران که فاکتور بسیار مهمی در نقش بر آب شدن نقشه‌های ارتجاع حاکم است، شرایط سیاسی پرتلاطم و انقلابی جامعه نیز، چنین اجازه‌ای به ارتجاع حاکم نمی‌دهد و با این ترفندها نمی‌تواند از مهلکه بگریزد.



## تاکتیک مناسب مبارزه معلمان برای مقابله با ترفندهای حکومتی

فرهنگیان و تسری آن به سایر زحمتکشان جامعه، تمام تلاش خود را برای مقابله با این روند و متوقف ساختن آن به کار بست. احضار صدها معلم به مراکز سرکوب و امنیتی، بازداشت و بازجویی‌های مکرر و پرونده‌سازی و اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت کشور و امثال آن، نتوانست جلو رشد جنبش اعتراضی معلمان و گسترش فعالیت‌های سازمان‌گرا نه شورای هماهنگی و اعتصابات سراسری را بگیرد. تمام این ترفندها و اقدامات باشکست و ناکامی روبرو شد. مبارزات معلمان متشکل‌تر شد و اعتلای بیشتری یافت. دولت ارتجاعی و تمام "نخبه‌های فکری" دستگاه اطلاعاتی رژیم، ایده‌های خود را

روی هم ریخته و سرانجام به یک سناریوی دروغین و رنگ‌باخته و اتهامات "امنیتی" متوسل شدند. ده‌ها فعال صنفی معلمان بازداشت و روانه زندان شدند. نوکتیز حمله دستگاه اطلاعاتی و سرکوب، تشکل‌های مستقل معلمان و فعالان این تشکل‌ها بود. ۱۶ تن که همگی از اعضای مؤثر تشکل‌های مستقل معلمان هستند همچنان در زندان و زیر فشارهای شدید هستند. تعدادی از آن‌ها زیر شکنجه و بازجویی‌های مکرر و فرسایشی قرار دارند تا نقش مورد دلخواه وزارت اطلاعات در نمایش مسخره‌ای که همه مردم ایران از ساختگی بودن آن مطلع

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)  
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 973 June 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی